

حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل با نگاهی بر اقدام دیوان بین‌المللی کیفری در قضیه کشور مالی

(صفحات ۱۶۵ تا ۱۹۰)

حسن خسروی^۱ * فرید سلطان قیس^۲

پذیرش: ۹۶/۰۲/۱۴

دریافت: ۹۵/۱۱/۱۳

چکیده

تخریب اموال فرهنگی یکی از اتفاقاتی است که در مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی رخ می‌دهد. گستردگی و شدت گرفتن این امر در سده‌های اخیر موجب شده است تا حقوق بین‌الملل نسبت به این مساله واکنش نشان دهد. هدف اصلی این نوشته، ارزیابی چگونگی حمایت از آثار فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل و اقدامات دیوان بین‌المللی کیفری در قبال واکنش به تخریب آثار فرهنگی و تاریخی در خلال جنگ داخلی کشور مالی است. مقاله با رویکرد «توصیفی - تحلیلی» در صدد آن است تا ضمانت اجرای نقض تعهدات حمایت از آثار فرهنگی و تاریخی را به طور اخص در قضیه مالی نشان دهد. یافته‌های پژوهش حاکی است، حقوق بین‌الملل در قبال این موضوع تعهدات روشنی داشته و کشورها را ملزم به حفاظت از اموال فرهنگی و تاریخی نموده است و در اسناد و متون مختلفی حمله و تخریب اماکن دینی و فرهنگی و تاریخی ممنوع شده است. این امر از مصادیق جرایم جنگی محسوب شده و بر همین مبنا نیز در اولین پرونده دیوان کیفری بین‌المللی،

Hkh.be82@yahoo.com

۱. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، (نویسنده مسئول)؛

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

Farid.Soltangheys@outlook.com

.....حمايت از اموال فرهنگي و تاريخي در حقوق بين الملل با نگاهی بر اقدام ديوان.....

يکي از متهمان تخريب آثار فرهنگي و تاريخي مالي، به تحمل نه سال حبس محکوم شده است.

واژگان کلیدی: اموال فرهنگي، اموال تاريخي، حقوق بين الملل، ديوان بين المللي کيفري، پرونده المهدی.

مقدمه

جنگ و مخاصمات مسلحانه از دیرباز یکی از مسائل دردآوری است که سرنوشت بشری را مرعوب خویش ساخته است. جنگ و توسل به زور در گذشته اصلی حاکم بر روابط میان دولت‌ها بوده است اما با پیشرفت جوامع بشری و توسعه حقوق بین‌الملل، به موضوعی تبدیل شده است که کشورها و اعضای جامعه بین‌المللی خواستار محدود کردن آن گشته‌اند. پیمان بریان-کلوگ^۱ و میثاق جامعه ملل به عنوان اولین اسنادی به شمار می‌روند که جنگ را محدود نموده‌اند. اگرچه در منشور ملل متحد مشروعیت جنگ به طور کلی از میان نرفت، اما محدود کردن توسل به زور به مسائلی از قبیل دفاع مشروع و گنجاندن اصل عدم توسل به زور و همچنین اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در منشور، حرکت قابل توجهی به شمار آمد. اما متأسفانه با گذشت اندک زمانی پس از اجرایی شدن منشور، توسل به زور نه تنها از بین نرفت که شاید بتوان گفت از نظر تعداد بیشتر از قبل نیز شد.

جنگ‌های هند و چین، جنگ ویتنام، جنگ الجزایر، جنگ اعراب و اسرائیل، جنگ ایران و عراق همگی مویذ این نکته هستند که علی‌رغم تمامی پیش‌بینی‌ها مساله عدم توسل به زور چندان موفق نبوده است. طبق گزارش موسسه بروکینگز که در اول مارس ۱۹۸۱ منتشر شده است، از اول ژوئن ۱۹۴۵ تا ۳۱ اوت ۱۹۸۰ تنها ابرقدرت‌ها متوسل به زور شده بودند؛ به طوری که اتحاد جماهیر شوروی ۱۹۰ بار و ایالات متحده آمریکا بیش از ۲۰۰ بار متوسل به زور گشته‌اند (ضیایی بیگدلی: ۱۳۹۳: ۱۶). تدوین و تصویب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹ گام مثبت و موثری در تدوین قواعد و مقررات جنگی بود که توسط جامعه بین‌المللی به ثمر رسید. این نوشته در پی آن نیست که علل و عوامل موجد مخاصمات مسلحانه یا عدم موفقیت کشورها در اجرای اصل عدم توسل به زور را تحلیل نماید بلکه به یکی از مسائلی پرداخته خواهد شد که در خلال جنگ‌ها به وقوع می‌پیوندد. در حقیقت نوشته حاضر، ناظر به این مساله است که در هنگام بروز مخاصمات حقوق و تکالیف طرف‌های درگیر در حفظ و حراست از اموال و اماکن فرهنگی و تاریخی موجود در مناطق درگیری، چه بوده و احکام و قواعد مترتب بر این قضیه چه مسائلی می‌باشند. همچنین از سال ۲۰۱۲ و با وقوع درگیری‌های مسلحانه داخلی در کشور مالی در

1. Kellogg-Briand Pact

پی‌گنش‌های جدایی‌طلبانه در منطقه ازواد آن کشور و با ورود گروه‌های تکفیری به درگیری‌ها، جامعه بین‌الملل شاهد موج عظیمی از تخریب و غارت اماکن و اموال فرهنگی و تاریخی موجود در آن کشور شد، به طوریکه موجبات نگرانی ناظران را فراهم آورد.

این مقاله، با رویکرد توصیفی-تحلیلی به جایگاه اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل پرداخته و با مطالعه موردی قضیه مالی در دیوان بین‌المللی کیفری، واکنش جامعه بین‌المللی در قبال نقض مقررات مربوط به حفاظت از اموال فرهنگی و تاریخی را بیان می‌کند.

بنابراین پرسش اصلی این مقاله این است که: موضع حقوق بین‌الملل در قبال حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی چیست؟ حقوق بین‌الملل در قبال محاکمه ناقضین تعهد حمایت از این اموال خصوصا در نسل‌های مختلف دادگاه‌های بین‌المللی چه بوده است؟ و در نهایت دیوان بین‌المللی کیفری در قبال مسأله مالی که مرتبط با تخریب آثار فرهنگی و تاریخی این کشور می‌باشد، چه واکنشی از خود نشان داده است؟ به نظر می‌رسد، حقوق بین‌الملل در قبال حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی به وضع قواعد و مقررات مختلف در اسناد و معاهدات گوناگون مبادرت ورزیده و حمایت از این اموال را به عنوان یک تعهد بین‌المللی بر تابعان حقوق بین‌الملل منظور نموده است و ضمانت اجرای این تعهدات را نیز در محاکم بین‌المللی کیفری لحاظ داشته است.

در مقام پاسخ به پرسش‌ها و فرضیات این مقاله، نخست به بررسی مفهوم و تاریخچه حمایت از اموال فرهنگی پرداخته شده و سپس ساز و کارهای حفاظت از اموال فرهنگی در اسناد بین‌المللی مورد بحث قرار خواهد گرفت. در مرحله بعد به رویه قضایی بین‌المللی در قبال حمایت از اموال فرهنگی اشاره شده و در قسمت آخر نیز، با مطالعه موردی قضیه مالی، رویکرد و اقدامات دیوان بین‌المللی کیفری در قبال تخریب آثار فرهنگی بحث و بررسی خواهد شد.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. ادبیات تجربی

با عنایت به اینکه این نوشته از تجمیع دو حوزه مختلف حقوقی بوجود آمده است، به ناچار بایستی ادبیات تجربی آنرا نیز بطور مجزا بیان نمود. در زمینه حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی، مقالات متعددی نوشته شده‌اند. مقاله‌ای در سال ۲۰۱۲ با عنوان «دیدگاه‌های حقوقی حفاظت از اماکن فرهنگی و تاریخی شهری»^۱ به قلم اندرو کومو^۲ در انتشارات وزارت کشور آمریکا به چاپ رسیده است که در آن نویسنده با نگاهی بر شرایط و ویژگی‌های اماکن تاریخی شهری، شیوه حفاظت و نگهداری از این آثار را با در نظر گرفتن ملاحظات حقوقی و قانونی مورد بحث قرار داده و الزامات قانونی موجود را به چالش کشیده است. پایان‌نامه‌ای با موضوع «ساز و کارهای بین‌المللی حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه» به کوشش زینب فیروزی (۱۳۹۰) نوشته شده است که در آن رژیم حقوقی حاکم بر حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه و سازوکارهای بین‌المللی مرتبط با حمایت از اموال فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. همچنین پایان‌نامه دیگری با عنوان «کارکرد سازمان‌های بین‌المللی در حمایت از اموال فرهنگی» توسط سعید میرزایی (۱۳۹۲) تحریر شده است که در این پایان‌نامه نیز نویسنده به بررسی اقدامات سازمان‌های بین‌المللی در چارچوب سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی آن برای حفظ و حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی پرداخته است. یونس صمدی (۱۳۷۷) در مقاله‌ای کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در زمینه حفاظت از اموال فرهنگی در زمان جنگ را بطور ویژه مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله نیز ضمانت اجراها، تعهدات و تکالیف دولت‌ها در زمینه حفاظت از اموال فرهنگی که در کنوانسیون مزبور مورد اشاره قرار گرفته، آورده شده است.

نوآوری و تفاوت مقاله حاضر با سایر پژوهش‌های انجام شده، در این است که حمایت از اموال فرهنگی را با سازوکارهای کیفی بین‌المللی و اقدامات موثر

1. Legal Aspects of Municipal Historic Preservation

2. Andrew M. Cuomo

دولت‌ها، مورد تضمین قرار می‌دهد و در تلاش است با تأکید بر تحلیل قضیه کشور مالی به منظور نهادین نمودن رویه قضایی بین‌المللی پیرامون تضمینات کیفی صیانت از اموال فرهنگی گام موثرتری بردارد که در سایر پژوهش‌ها اشاره نشده است.

۱-۲. ادبیات نظری

در این بخش به مفهوم و تاریخچه حمایت از اموال فرهنگی در حقوق بین‌الملل پرداخته خواهد شد و تعاریف و مفاهیم ارائه شده در باره اموال فرهنگی و تاریخچه حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه ارائه می‌گردند.

در خصوص مفهوم اموال فرهنگی نظرات گوناگونی ارائه شده است. مفهوم «اموال فرهنگی» به اموالی که دارای یک نفع هنری یا تاریخی و نیز اموالی که دارای جنبه علمی یا مذهبی نیز هستند، تسری پیدا می‌کند. در نتیجه کلیه بناهای تاریخی، آثار هنری، اماکن فرهنگی و مذهبی به عنوان اموال فرهنگی محسوب شده، در زمره میراث فرهنگی یا معنوی هستند. (نژندی منش و الیاسی، ۱۳۸۹: ۲۶) دو رویکرد نظری در مورد اموال فرهنگی وجود دارد که به رویکرد بین‌الملل گرایی فرهنگی یا اترناسیونالیسم فرهنگی و ملی گرایی یا ناسیونالیسم فرهنگی تعبیر شده است. اترناسیونالیسم فرهنگی بر این مقدمه مبتنی است که اموال فرهنگی، صرف نظر از منشاء یا موقعیت فعلی‌شان، بخشی از میراث مشترک بشریت می‌باشند. در نتیجه، تمام دولت‌ها در حفاظت و صیانت از اموال فرهنگی ذینفع می‌باشند. (نژندی منش و الیاسی، ۱۳۸۹: ۳۳) این دیدگاه در کنوانسیون حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه لاهه منعکس شده است. در مقابل ملی گرایی فرهنگی اموال فرهنگی را بخشی از میراث فرهنگی ملی می‌پندارد. بنابر این اموال فرهنگی اصولاً به کشور منشاء تعلق دارند و در این کشور است که مال فرهنگی مورد بحث در موقعیت تاریخی خود به نحو احسن ارزیابی و درک می‌شود. (نژندی منش و الیاسی، ۱۳۸۹: ۳۵) اصل میراث مشترک بشریت در خصوص اموال موجود در قلمرو فضای ماورای جو (کنوانسیون ۱۹۷۹ در مورد کره ماه و سایر اجرام سماوی) و نیز در باره بستر و زیر بستر دریاها در خارج از قلمرو صلاحیت ملی دولت‌ها (کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها) به کار رفته است و طبق نظر برخی از نویسندگان بهتر است از اموال فرهنگی تحت عنوان «منافع مشترک بشریت» استفاده شود چرا که اموال فرهنگی تحت کنترل دولت‌ها هستند اما دو مورد گفته شده در

بالا تحت انقیاد هیچ دولتی نیست. (بیگ زاده، ۱۳۹۰: ۳۰)

۲. سازوکارهای حفاظت از اموال فرهنگی در اسناد بین‌المللی: از توصیه تا مجازات

اسناد بین‌المللی مرتبط با حفاظت از اموال فرهنگی در دوران نخست انعقاد آنها، صرفاً به ارائه توصیه بسنده نموده و دولت‌ها را صرفاً از دیدگاه حقوق نرم^۱ متعهد می‌نمودند، اما با وقوع درگیری‌های بسیار و خرابی‌های ناشی از آن، رفته رفته جنبه توصیه‌ای و غیر الزام آور اسناد بین‌المللی رنگ باخته و موجب جرم‌انگاری اقدامات علیه اموال فرهنگی شد و متعاقب آن مجازاتی نیز برای مرتکبین در نظر گرفته شد و جنبه غیر الزام آور اسناد، حالت الزامی و حقوق سخت^۲ که بارزترین مشخصه آن داشتن ضمانت اجرای حقوقی و کیفری است، به خود گرفت.

در عصر جدید و همزمان با پیدایش حقوق بین‌الملل مدرن، در سال ۱۸۶۳ و به هنگام تدوین کد لایبر^۳ که به عنوان اولین تلاش‌ها برای وضع مجموعه جامع اصول حاکم بر رفتار متخاصمان در قلمرو سرزمینی دشمن شناخته می‌شود، در مواد ۳۴ تا ۳۵ آن تصریح شد که اموال متعلق به کلیسا، تاسیسات آموزشی و موزه‌ها باید در حکم اموال عمومی تلقی شوند. آثار کلاسیک هنری، کتابخانه‌ها، مجموعه‌های علمی و اسناد ارزشمند باید در مقابل خسارات و صدمات حمایت شوند. (قاسمی و همکار، ۱۳۹۲: ۱۱)

اعلامیه بین‌المللی بروکسل در سال ۱۸۷۴ که پس از کد لایبر به منصفه ظهور رسید نیز به تکرار موارد مشابه کد لایبر پرداخته و در ماده ۸ خود متذکر شد که، اموال متعلق به موسسات خاص هنری و علمی، تربیتی و مذهبی باید همانند اموال خصوصی با آنها رفتار شود و مصادره، تخریب و خسارت عمدی آنها موجب تعقیب مرتکب خواهد شد. (Broker, 1974: 616-620) دستورالعمل لندن در سال ۱۸۸۹ نیز در مجازات جرایم مرتکبین جرایم علیه اموال فرهنگی یک گام به جلوتر رفت. (نژندی منش و الیاسی، ۱۳۸۹: ۴۹)

1. Soft Law
2. Hard Law
3. Liber Code

کنوانسیون‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه در مورد حقوق جنگ نیز قواعد مشابهی در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات را پیش‌بینی کردند. در ماده ۵۶ مشترک این کنوانسیون‌ها، اعضاء متعهدند تا اقداماتی به عمل آورند که از ساختمان‌های خاص هنری، علمی، مذهبی و غیره به شرط آنکه این مکان‌ها همزمان برای اهداف نظامی بکار نروند، محافظت شود. تخریب و مصادره اموال دشمن که شامل اموال فرهنگی نیز می‌شود در صورت اقتضای ضرورت جنگی به طور استثنایی مجاز شمرده شده است. (نژندی‌منش و الیاسی، ۱۳۸۹: ۴۹) مصادره و تخریب یا خسارت عمدی به اشیای منقول هنری و علمی و موسسات و بناهای تاریخی ممنوع است.

همچنین کنوانسیون حمایت از تاسیسات فرهنگی مصوب ۱۹۳۵ موسوم به پیمان روآریخ در اتحادیه پان امریکن که بعدها به سازمان دولت‌های آمریکایی تغییر نام داد، به عنوان اولین پیمانی که به حفاظت از اموال فرهنگی اختصاص داشت. به موجب ماده ۱ این پیمان «آثار تاریخی، موزه‌ها، نهادهای علمی، هنری، آموزشی و فرهنگی باید بی‌طرف قلمداد شوند و در مخاصمات باید حمایت گردند»^۱

با تصویب کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آن، انتظار می‌رفت که در مواد کنوانسیون‌های چهارگانه تدابیری برای حفاظت از اموال فرهنگی و تاریخی در نظر گرفته شود اما علی‌رغم انتظارات، مقرره‌ای در این باره پیش‌بینی نشد. البته این نقیصه در پروتکل‌های اول و دوم این کنوانسیون در سال ۱۹۷۷ رفع گردید و به موجب ماده ۵۲ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون، مصونیت از تعرض به تمام اموال غیر نظامی اعطاء شده است. همچنین در ماده ۵۳، به لزوم حمایت از اموال فرهنگی و مکان‌های عبادت بدون خدشه وارد کردن به مقررات کنوانسیون ۱۹۵۴ پرداخته شده است. در پروتکل دوم الحاقی نیز به موجب ماده ۱۶ حمایت از برخی اشیای غیر نظامی از قبیل اشیای فرهنگی و مکان‌های عبادت پیش‌بینی شده است.

مهم‌ترین سندی که در حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل به تصویب رسیده است، کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و پروتکل الحاقی آن در زمینه حفاظت از

1. International Committee of the Red Cross, <https://www.icrc.org>

اموال فرهنگی در زمان جنگ می‌باشد. اگرچه در زمان تصویب کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه با عنوان «حمایت از اموال فرهنگی در حین مخاصمات مسلحانه» و همچنین دو پروتکل الحاقی این کنوانسیون در سال‌های ۱۹۵۴ و ۱۹۹۹ اختلافاتی در بین کارشناسان و نقایصی در کل آن وجود داشت اما این کنوانسیون در حال حاضر کامل‌ترین قانون حمایتی از اموال فرهنگی در زمان جنگ‌های مسلحانه است. (Brooks, 2015:13) در معاهده ۱۹۵۴ و پروتکل دوم الحاقی ۱۹۹۹ از عبارت «اموال فرهنگی» برای معرفی موضوع حمایت استفاده شده اما تعریف جامع و مانعی از آن نشده و تنها شقوق آن «احصا» شده است. همچنین این معاهده منشا و مالکیت اموال فرهنگی را در تعریف خود تاثیر داده است تا در صورت بروز اختلافات در این موارد بین متعاهدین، کنوانسیون غیرقابل اجرا نشود.

اما تعریف این کنوانسیون از اموال فرهنگی سه دسته از اموال را در بر می‌گیرد. دسته اول اموال منقول و غیرمنقول که برای فرهنگ ملل دارای اهمیت فراوان است. آثار معماری، هنری و تاریخی، مذهبی و غیرمذهبی، مناظر باستانی و مجموعه ساختمان‌هایی که از این حیث دارای ارزش تاریخی یا هنری باشند جزو این دسته‌اند. همچنین آثار هنری، نسخه‌های خطی، کتاب‌ها و سایر اشیا که دارای ارزش هنری، تاریخی یا باستان‌شناسی باشند نیز در این دسته قرار می‌گیرند.

دسته دوم بناهایی که هدف اصلی و واقعی آنها نگهداری یا نمایش اموال منقول فرهنگی است و مؤسساتی که در صدد نگهداری از این اموال در زمان جنگ هستند را در بر می‌گیرد و دسته سوم شامل مراکزی است که تعداد بسیاری از اموال فرهنگی را در خود جای داده که در اصطلاح به آن مراکز دارای آثار تاریخی اطلاق می‌شود.

این تعریف که در اصل مفهوم اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه را تبیین می‌کند به اموالی که دارای یک نفع هنری یا تاریخی‌اند و همچنین اموالی که دارای جنبه علمی و مذهبی هستند نیز تسری می‌یابد. کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه تمامی بناهای تاریخی، آثار هنری، اماکن فرهنگی را به عنوان اموال فرهنگی محسوب کرده و در زمره میراث فرهنگی و معنوی قرار داده است.

با توجه به اینکه کنوانسیون لاهه اطلاق عنوان اموال فرهنگی بر مصادیق آن را

منوط به این دانسته که آثار مزبور «حایز اهمیت فراوان از لحاظ میراث فرهنگی هر قوم» باشد فقدان مرجع تشخیص یا تأیید ماهیت فرهنگی _ تاریخی اموال موضوع حمایت و همچنین مرجع تعیین «اهمیت فراوان» در این معاهده به چشم می خورد. (صمدی، ۱۳۷۷: ۱۳۶) مطابق این کنوانسیون تعیین و علامت گذاری اموال فرهنگی و تامین امنیت آنها در خلال مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و در مواقع اشغال باید لحاظ گردد. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون در زمینه ممانعت از خروج اموال فرهنگی از سرزمین‌های اشغالی است که تعهد مذکور بر عهده دولت اشغالگر گذاشته شده است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۰: ۳۷) طبق پروتکل دوم کنوانسیون نیز یک نظام حمایت عالی از اموال فرهنگی در نظر گرفته شده است که تحت عنوان «حمایت عالی یا فزاینده»^۱ از آن یاد شده است که در مواد ۱۰ تا ۱۴ پروتکل دوم (۱۹۹۹) به قواعد و آثار آن اشاره شده است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۰: ۳۷) بایستی خاطر نشان کرد که استثنای ضرورت نظامی در مفاد این پروتکل مد نظر قرار گرفته و یکی از موجبات لغو یا تعلیق مصونیت یا به بیان دیگر چشم‌پوشی هریک از طرف‌های درگیر از حمایت از اموال فرهنگی قلمداد شده است. این استثناء در کد لایبر نیز پیش‌بینی شده بود. مطابق این استثناء در صورت حصول شرایط مقرر در مواد پروتکل اجرا و الزام به حفاظت از اموال فرهنگی در جنگ موقتا تعلیق می‌شود.

۱-۲. قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی

در قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی نیز حمایت از اموال فرهنگی به صراحت مد نظر قرار گرفته و بر لزوم اجتناب از آسیب‌رسانی به بناهای مذهبی، هنری، علمی، آموزشی یا مختص به امور خیریه و بناهای تاریخی تاکید شده است. (هنکرتز و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۵) همچنین مطابق حقوق عرفی، هرگونه تصرف یا انهدام یا تخریب عمدی موسسات مذهبی، هنری، علمی، آموزشی یا مختص به امور خیریه و یادمان‌های تاریخی و آثار هنری و علمی ممنوع بوده و هرگونه سرقت، غارت، یا سوء استفاده و هرگونه خرابکاری نسبت به اموالی که از نظر میراث فرهنگی هر ملت حائز اهمیت

1. Enhanced Protection

فراوان باشد، ممنوع است. این قواعد هم در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و هم در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی اعمال خواهد شد. (هنکرتز و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳۵)

۲-۲. جرم انگاری و مجازات

یکی از جدیدترین و مهم‌ترین اسنادی که در آن به حمایت از اموال فرهنگی مبادرت شده است، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری می‌باشد که در آن به صراحت تخریب و حمله به اماکن فرهنگی و تاریخی در هنگام جنگ جرم انگاری شده است. اساسنامه رم، در بند ۹ قسمت ب (۲) ماده ۸ و در بیان مصادیق جرایم جنگی در صلاحیت رسیدگی دیوان، بیان می‌کند: «حمله به اماکن مختص مذهب، آموزش، هنر، علم یا اهداف نیکوکارانه، بناهای تاریخی، بیمارستان‌ها، و اماکنی که در آنها بیماران و مصدومان نگهداری می‌شوند، در صورتی که این اماکن اهداف نظامی نباشند؛» (شریعت باقری، محمدجواد، ۱۳۹۰: ۱۲) جنایت جنگی محسوب خواهد شد. همچنین عده‌ای نویسندگان بر این باورند که تخریب آثار فرهنگی یک ملت به دلیل ایجاد آزار روانی می‌تواند از مصادیق جنایت علیه بشریت نیز محسوب گردد. (جعفری، فریدون، ۱۳۹۰: ۲۲۱) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اساسنامه رم نیز علی‌رغم شناسایی و جرم انگاری تخریب و حمله به اماکن تاریخی، استثنای ضرورت نظامی را فراموش نکرده و با در نظر داشتن شرط نظامی نبودن مکان مورد نظر، ماده مربوطه را تخصیص زده است.

این پژوهش تحلیلی توصیفی بوده و با گردآوری اسناد و معاهدات موجد قواعد و مقررات حفظ و حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی و تحلیل و توصیف آنها با شرایط موجود در وضعیت پیش آمده در کشور مالی، نقض یا عدم نقض این مقررات مورد بحث قرار گرفته است.

۳. تحلیل رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی در رابطه با تخریب اموال فرهنگی

پس از بررسی قواعد و اسناد موجود در ارتباط با حفاظت از اموال فرهنگی و تاریخی،

باید به عملکرد دیوان‌های بین‌المللی و دادگاه‌های نسل اول و دوم کیفری بین‌المللی نیز توجه شود. مباحث این بخش بیشتر ناظر بر دادگاه رسیدگی به جنایات جنگی آلمان نازی موسوم به دادگاه نورنبرگ و دادگاه بین‌المللی برای محاکمه جنایت‌های واقع شده در یوگوسلاوی سابق می‌باشد که در کنار سایر اتهامات وارد شده به متهمین این دادگاه‌ها، اتهامات تخریب اموال فرهنگی و تاریخی نیز مورد رسیدگی و صدور کیفرخواست گردیده است.

۱-۳. دادگاه بین‌المللی نظامی نورنبرگ

دادگاه نورنبرگ در ۲۰ نوامبر ۱۹۴۵ میلادی پس از خاتمه جنگ جهانی دوم به منظور محاکمه ۲۴ تن از رهبران آلمان نازی که باعث کشته‌شدن بیش از ۵۰ میلیون نفر و متلاشی شدن زندگی میلیون‌ها انسان بودند، توسط متفقین جنگ جهانی دوم تشکیل شد. در این دادگاه، یکی از اتهامات آلفرد روزنبرگ^۱، که از سران آلمان نازی به شمار می‌رفت، سازماندهی و هدایت غارت اموال عمومی و اموال خصوصی بود که مطابق نظر قضات دادگاه، متهم به ارتکاب جنایات جنگی مطابق بند ب ماده ۶ اساسنامه دادگاه نورنبرگ محاکمه گردید. (Irving, 2007:42) قسمت ب ماده ۶ اساسنامه نورنبرگ غارت اموال عمومی و خصوصی را یکی از مصادیق جنایت جنگی برشمرده است. در حقیقت می‌توان روزنبرگ را اولین متهمی به شمار آورد که به علت هدایت اعمال ناقض قوانین بر علیه اموال فرهنگی در خلال یک مخاصمه مسلحانه تحت تعقیب قرار گرفته و به همین مناسبت محکوم گردیده است.

۲-۳. دادگاه کیفری بین‌المللی یوگوسلاوی سابق

جرایم و اقدامات خرابکارانه علیه اموال فرهنگی باعث شد تا واکنش‌های مختلفی علیه این اقدامات و جرایم صورت گیرد. برای نمونه در واکنش به تخریب سه مسجد در صربستان، وزارت آموزش و فرهنگ جمهوری فدرال یوگوسلاوی واکنش‌هایی را به تخریب این مساجد بزرگ مطرح کرد. (نژندی‌منش و الیاسی، ۱۳۸۹:۱۳۱) پس از تشکیل دادگاه

1. Alfred Rosenberg

کیفری بین‌المللی یوگوسلاوی سابق، با استناد به ماده (د) ۳ اساسنامه این دادگاه، دادستان در پاره‌ای کیفرخواست‌های صادره، مدعی «تخریب نهادهای مختص مذهب یا آموزش یا ورود خسارت عمدی به آنها»، و «تصرف و تخریب نهادهای مختص مذهب یا ورود خسارت عمدی به آنها» شده بود (نژندی‌منش و الیاسی، ۱۳۸۹: ۱۵۴)

ماده (د) ۳ اساسنامه مقرر داشته است که: دادگاه بین‌المللی در تعقیب و تحت پیگرد قرار دادن افرادی که قوانین یا عرف جنگی را نقض کرده‌اند، دارای اختیار می‌باشد. چنین موارد نقضی بدون اینکه به موارد زیر محدود شوند عبارتند از: (د) تصرف، تخریب یا ایراد خسارت عمدی به نهادهای اختصاص داده شده به مذهب، امور خیریه و آموزش و پرورش، هنرها و علوم، بناهای تاریخی و آثار هنری و علمی.

در آرای مربوط به کوپرسکیچ^۱ و بلاسکیچ^۲ و نیز رای کوردیچ^۳ به بررسی اتهام تخریب اموال چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم پرداخته شده است. اما بارزترین رای که دیوان صادر نموده مربوط به قضیه پاول استروگار^۴ می‌باشد که مطابق رأی دادگاه مجرمیت وی طبق ماده (د) ۳ اساسنامه دادگاه، به جهت نقض قواعد و عرف‌های جنگی در تخریب و ایجاد صدمه عمدی به اماکن فرهنگی و تاریخی شهر تاریخی دوبرونیک^۵ در کرواسی محرز گردیده و نامبرده محکوم شده است. طبق رای دادگاه مکان تخریب شده از سال ۱۹۷۹ در لیست میراث تاریخی یونسکو به ثبت رسیده است.^۶ این رای را می‌توان نخستین رای پس از دادگاه نورنبرگ در حمایت از آثار و میراث تاریخی در مخاصمات به شمار آورد با این تفاوت که، محکومیت روزنبرگ در دادگاه نورنبرگ منحصر به غارت اموال عمومی و خصوصی بود و در اساسنامه دادگاه نورنبرگ حکمی در خصوص تخریب اموال فرهنگی و تاریخی به میان نیامده بود اما در

1. Kupreškić

2. Blaškić

3. Kurdić

4. Pavle Strugar

5. Dubrovnik

6. The International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia, <http://www.icty.org>

اساسنامه دادگاه یوگوسلاوی، چنانچه ملاحظه گردید به صراحت تخریب و وارد آوردن صدمه به اماکن فرهنگی و مذهبی و تاریخی جرم انگاری شده و مطابق همین امر، اقدام به صدور حکم محکومیت برای مرتکبین گردیده است. (Ibid)

۳-۳. تخریب اموال فرهنگی و تاریخی در آرای دیوان بین‌المللی کیفری

دیوان بین‌المللی کیفری که به عنوان نسل جدید دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به شمار آمده و بر خلاف دادگاه‌های نسل‌های پیشین با توافق کشورها و انعقاد معاهده بین دولت‌ها تصویب و اجرایی شده است، صلاحیت رسیدگی به چهار جرم بین‌المللی نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و تجاوز را داراست. (Curry, 2016: 5) پس از گذشت نزدیک به ۱۰ سال از زمان آغاز رسیدگی به اولین پرونده در دیوان بین‌المللی کیفری، و همچنین بعد از شروع به رسیدگی به ۹ پرونده دیگر، علیرغم قید صریح اساسنامه دیوان در جنایت جنگی تلقی نمودن تخریب اموال فرهنگی و تاریخی، مساله رسیدگی به این جرایم مطمح نظر دادستان دیوان نبود، تا اینکه به یکباره و پس از وقوع مخاصمات داخلی غیر بین‌المللی در کشور آفریقای مالی و بعد از آغاز تحقیقات دادستان دیوان، برای نخستین بار موضوع تخریب اموال فرهنگی و تاریخی در دستور کار دیوان بین‌المللی کیفری قرار گرفت. در این بخش به همین موضوع پرداخته شده و گزارشی از وقایع مالی و عملکرد دیوان در اینباره ارائه خواهد شد.

۱-۳-۳. شروع وقایع شمال مالی

از ۱۷ ژانویه ۲۰۱۲، تعدادی از گروه‌های شورشی برای استقلال و یا خودمختاری بیشتر در شمال مالی، در منطقه ای با نام ازواد، وارد درگیری با دولت مالی شدند. جنبش ملی آزادی برای ازواد، گروهی که برای تشکیل کشوری مستقل برای قوم طوارق شکل گرفته بود، تا آوریل ۲۰۱۲، آن منطقه را تحت کنترل خود درآورد.

در ۲۲ مارس ۲۰۱۲، رئیس‌جمهور مالی آمادو تومانی توره، یک ماه پیش از انتخابات جدید، به دلیل عدم موفقیت در کنترل درگیری‌ها، با یک کودتا سرنگون شد. سربازان موتینرینگ که خود را کمیته بازسازی دموکراسی و دولت نامیدند، قدرت را در دست گرفته و قانون اساسی مالی را به تعلیق درآوردند. به دلیل بی‌ثباتی پس از

کودتا، ۳ شهر از بزرگترین شهرهای شمالی مالی، کیدال، گائو و تومبوکتو، در سه روز پیاپی توسط شورشیان تاراج شد. در ۵ آوریل ۲۰۱۲ پس از اشغال دونتزا، جبهه ملی آزادی برای ازواد اعلام نمود که به اهدافش رسیده است و دست از حملات نظامی برداشت. روز پس از آن دولت مستقل ازواد استقلال خود از مالی را اعلام نمود.

در ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۲ جنبش ملی آزادی برای ازواد، تمام کنترل خود بر شهرهای شمالی را از دست داد و کنترل آنها به دست گروه‌های اسلام‌گرا افتاد. (گروه سلفی تکفیری انصارالدین که توسط ایادالغالی، یکی از سران شورشیان طوارق در دهه ۱۹۹۰، با گرایش‌های ضد صوفی‌گرایانه و با الهام از آموزه‌های سلفیت، به وجود آمده است، نقش مهمی را در تحولات شمال مالی بازی کرده است. این گروه که از مارس سال ۲۰۱۳ در لیست گروه‌های تروریستی ایالات متحده، و نیز در لیست گروه‌های تروریستی شورای امنیت سازمان ملل متحد جای گرفته است اصلی‌ترین عامل در تخریب اماکن مذهبی و بناهای تاریخی و فرهنگی شهرهای شمال مالی از جمله تیمباکتو به شمار می‌رود. در ۴ می ۲۰۱۲ میلادی، گروه انصارالدین اقدام به سوزاندن یک مقبره متعلق به صوفی‌ها در شهر تومبوکتو نمود^۱ که این بنا از سال ۱۹۸۸ میلادی در لیست میراث جهانی یونسکو نیز به ثبت رسیده بود. شهر تومبوکتو از نظر موقعیت مکانی یکی از مهم‌ترین مراکز تصوف به شمار می‌رود تا جایی که بسیاری از ائمه صوفی آفریقا ساکن آنجا بوده یا مقابرشان در آن شهر وجود دارد. با این همه و با علم بر این مسائل، گروه انصارالدین به تخریب و آسیب‌رسانی به این اماکن ادامه داد. در جولای ۲۰۱۲ نیز درب مسجد سید یحیی شکسته شد. همچنین با حمله به شهر «گوندام»، بقعه «آفا موبو» را به صورت کامل تخریب کردند. این گروه نه مکان باستانی از مجموع شانزده اثر اسلامی شهر تومبوکتو را ویران کرده‌اند که این امر نگرانی کشورهای اسلامی و سازمان یونسکو را در پی داشت. یونسکو تصمیم گرفت برای احیای آثار تاریخی شهر تومبوکتو هفت و نیم میلیون یورو به مالی اختصاص دهد. ادامه این روند و ارتکاب سایر جرایم جنگی و ضد بشری در مالی منجر به دخالت نیروهای

1. C.N.N. (Network), <http://edition.cnn.com/2012/05/05>.

خارجی از جمله فرانسه و انگلیس در ژانویه ۲۰۱۳ در مالی گردید.^۱

۲-۳-۳. واکنش و اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد

پس از وقوع درگیری‌ها در مالی، شورای امنیت در واکنش به اقدامات صورت گرفته تا کنون ۷ قطعنامه در خصوص موضوع مالی صادر کرده است. اولین قطعنامه صادره شورای امنیت قطعنامه ۲۰۵۶ به مورخ ۵ جولای ۲۰۱۲ می‌باشد که در مقدمه قطعنامه، بی‌احترامی، تخریب و آسیب به مکان‌های مقدس، تاریخی و فرهنگی و اماکن ثبت شده در یونسکو به شدت محکوم شد. همچنین در بند ۱۶ قطعنامه فوق با تأکید بر مسئولیت‌آور بودن و مشمولیت اقدام تخریب اموال فرهنگی و آثار تاریخی بر پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های ژنو و اساسنامه رم با عنایت بر عضویت مالی در دیوان بین‌المللی کیفری، طرف‌های درگیر را وادار به حفاظت و حمایت از میراث جهانی در مالی نمود.^۲ سه ماه بعد و با شدت گرفتن اوضاع، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۰۷۱^۳ مجدداً بی‌احترامی و تخریب و آسیب به مکان‌های تاریخی و فرهنگی و اماکن ثبت شده در لیست یونسکو را شدیداً محکوم نمود.

در سومین اقدام شورای امنیت در مالی که پس از ارجاع قضیه به دیوان ICC صورت گرفت، صدور قطعنامه ۲۰۸۵^۴ در آخرین روزهای سال ۲۰۱۲ میلادی می‌باشد که در آن ضمن تاسیس «مأموریت بین‌المللی با هدایت آفریقایی برای حمایت از مالی»^۵ موسوم به آفیسما، مجوز مداخله نظامی در شمال مالی نیز صادر شده است. در این قطعنامه هم برای بار سوم تخریب اموال فرهنگی و مذهبی به شدت محکوم شده است. چند ماه بعد در ۲۵ آوریل ۲۰۱۳، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۱۰۰^۶، مجدداً اقدامات صورت گرفته در تخریب اموال فرهنگی و تاریخی را به شدت محکوم کرده و خواستار کمک و مساعدت به حکومت انتقالی مالی در حفظ و حراست از اماکن تاریخی و فرهنگی ثبت شده در لیست جهانی یونسکو نمود. همچنین از عملیات حفظ

1. PanARMENIAN.Net: Armenian News(2013), <http://www.panarmenian.net>

2. S/RES/2056(2012)

3. S/RES/2071(2012)

4. S/RES/2085(2012)

5. AFISMA

6. S/RES/2100(2013)

صلح ملل متحد در مالی (MUNISMA) نیز خواسته شد تا در هنگام انجام عملیات در مجاورت اماکن تاریخی و فرهنگی دقت لازم را نمایند. به غیر از قطعنامه^۱ ۲۱۷۷ که اشاره به مساله تخریب اماکن تاریخی نشده است، در قطعنامه‌های ۲۱۶۴^۲ و ۲۲۲۷^۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد خواسته‌های قبلی شورا به قوت خود باقی بود.

۳-۳-۳. ارجاع قضیه مالی به دادستان دیوان

در ۱۳ جولای ۲۰۱۲ میلادی، دولت مالی وضعیت شمال کشور خود در خصوص جرایم ارتکاب یافته در صلاحیت دیوان را طبق ماده ۱۴ اساسنامه به دادستان دیوان بین‌المللی کیفری ارجاع نمود. شایان ذکر است که مالی از سال ۲۰۰۰ میلادی عضو دیوان می‌باشد.^۴ چند ماه بعد و در ۱۶ ژانویه ۲۰۱۳ دادستان دیوان، خانم فاتو بنسودا^۵ اعلام نمود که طبق ماده ۵۳ اساسنامه دیوان شروع به تحقیق در خصوص جرایم ارتکابی در خلال جنگ مالی خواهد نمود. وی اظهار داشت: دلایل منطقی برای باور به این مساله که جرایم ذیل در مالی اتفاق افتاده وجود دارد: قتل، ضرب و جرح عمدی، شکنجه و رفتارهای خشن، هدایت عامدانه حمله به مکان‌های حفاظت شده، صدور حکم و محاکمه بدون تشکیل دادگاه منصفانه، حاملگی اجباری و تجاوز جنسی. (Curry, 2016: 7) پرونده کشور پرونده مالی به شعبه پیش محاکمه اول ارجاع شده است.

علیرغم آنکه دادستان دیوان بین‌المللی کیفری در گزارش شروع به تحقیق خود صرفاً به وقوع سایر مصادیق جنایات جنگی از قبیل قتل، حاملگی اجباری، شکنجه و ... اشاره کرده بود اما بر خلاف انتظار و برای نخستین بار، اولین پرونده تخریب میراث فرهنگی، در دیوان را ایجاد کرده و بر علیه «احمد الفقی المهدی»^۶، یکی از سران گروه انصار الدین به علت ارتکاب جنایات جنگی تخریب میراث فرهنگی اعلام جرم نموده و قرار بازداشت این متهم را صادر نمود. وی از سپتامبر ۲۰۱۲ از سران دسته موسوم به

1. S/RES/2177(2014)

2. S/RES/2164(2012)

3. S/RES/2227(2015)

4. The International Criminal Court (2016), <https://www.icc-cpi.int>

5. Fatou Bensouda

6. Ahmad Al Faqi Al Mahdi

«حسبه» بوده و متهم به مشارکت فردی و گروهی در اشغال شهر تیمبوکتو و همچنین مجری احکام دادگاه شرعی شهر تیمبوکتو می‌باشد. قرار مذکور در مورخ ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی صادر گردید. اتهامات «فقیه المهدی» جرایم جنگی ناشی از اقدام فردی و گروهی علیه بناها و اماکن ذیل می‌باشد:

مقبره سید محمود بن عمر محمد عقید، مقبره شیخ محمد محمود العراونی، مقبره شیخ سید مختار بن سید محمد بن شیخ الکبیر، مقبره آلفا مویا، مقبره شیخ سید احمد بن عمرو الرقادی، مقبره شیخ محمد المکی، مقبره شیخ عبدالکاظم، مقبره احمد فلان، مقبره بهابر بابادئه و مسجد سید یحیی. (Curry, 2016:7) بلافاصله پس از صدور قرار بازداشت متهم، به فاصله یک هفته و در ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۵ احمد الفقی در نیجر بازداشت شده و توسط مقامات آن کشور به مقر دیوان بین‌المللی کیفری در لاهه منتقل گردید. بلافاصله پس از صدور قرار بازداشت متهم، به فاصله یک هفته و در ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۵ احمد الفقی در نیجر بازداشت شده و توسط مقامات آن کشور به مقر دیوان بین‌المللی کیفری در لاهه منتقل گردید.^۱

فاصله بین صدور قرار بازداشت تا اجرای حکم و تحویل متهم به دیوان یک پیشامد جدید در سوابق دیوان بین‌المللی کیفری است که بر خلاف سایر قضایایی که در آن بسیاری از قرارهای بازداشت صادر شده پس از گذشت چند سال هنوز به مرحله اجرا نرسیده است، اما بازداشت این متهم و انتقال سریع او به مقر دیوان برای رسیدگی به اتهامات وی، از اقدامات مثبت دیوان تلقی می‌گردد.

در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵، احمد الفقی در شعبه یک پیش محاکمه یا شعبه مقدماتی دیوان حاضر شده و ضمن احراز هویت وی، اتهاماتش نیز به زبان عربی به او تفهیم شد. همچنین به صورت موقت آغاز جلسات تایید اتهامات برای نیمه دوم ماه ژانویه سال ۲۰۱۶ میلادی تعیین شد.^۲ (اما در تاریخ ۱۸ ژانویه ۲۰۱۶ با موافقت قاضی شعبه اول پیش محاکمه دیوان بین‌المللی کیفری، جلسه «تایید اتهامات» وی، به اول ماه مارس موکول گردید. این تعویق به درخواست وکلای «الفقی» صورت پذیرفت.^۳

1. <http://www.bbc.com/>

2. Law Guardian, (2015), <http://www.theguardian.com/law>

3. Iranian Center for International Criminal Law, (2017), <http://www.icicl.org>

جلسه تأیید اتهامات، فرایندی است که در آن ادله اقامه شده از سوی دادستان دیوان از سوی قضات شعبه پیش محاکمه مورد ارزیابی واقع می‌گردند تا کفایت آن‌ها برای اثبات اتهامات وارد شده به متهم احراز گردد. تأیید اتهامات فرد مورد اتهام واقع شده به معنای مجرمیت وی نیست بلکه این مکانیسمی است برای اجتناب از راه‌یابی پرونده‌های فاقد ادله لازم به مرحله دادرسی جهت اجتناب از تحمیل هزینه غیر ضروری به دیوان. (Curry, 2016: 8)

دادستان دیوان بین‌المللی کیفری در جلسه نخست تأیید اتهامات نزد شعبه پیش محاکمه دیوان در تاریخ یکم مارس ۲۰۱۶ میلادی اعلام نمود که متهم یک حمله برنامه‌ریزی و همراه با تجهیزات کامل را رهبری کرده است. (Duerr, 2016: 12) به گفته خانم دادستان این تنها یک حمله علیه دیوار و سنگ نبوده است، بلکه تخریب این بناها و آرامگاه‌ها از منظر مذهبی و هویتی و تاریخی مهم بوده است. به گفته دادستان تخریب چنین بناهایی می‌تواند اثرات غیرقابل جبرانی بر ساختارهای اجتماعی یک جامعه داشته باشد و ریشه‌های یک ملت را تخریب سازد.^۱

خانم بنسودا در ادامه اظهارات خود مردم شمال مالی را قربانیان و بزه دیدگان اصلی جرایم الفقی دانست و عنوان داشت که ایشان سزاوار آن هستند تا عدالت را ببینند چراکه این تهاجمی علیه هویت و کرامت تمام جمعیت مالی و ریشه‌های مذهبی و تاریخی ایشان بوده است. دادستان دیوان در انتها با خطاب قرار دادن دادرسان شعبه پیش محاکمه اعلام داشت که وجدان جمعی بشریت با تخریب ناموجه میراث مشترک جامعه جهانی دچار شوک شده است. به گفته خانم دادستان، محکومیت و تقبیح صرف زبانی کافی نیست و جامعه جهانی می‌بایست به طور استوار این جرایم را از طریق مجازات کردن مرتکبان آن‌ها رد نماید. (Duerr, 2016: 12) مستند به ماده ۵۳ آیین‌نامه دیوان، قضات شعبه پیش محاکمه بایستی ظرف مدت ۶۰ روز از تاریخ جلسه تأیید اتهامات، تصمیم کتبی خود را که ممکن است به سه فرض تأیید اتهامات متهم، رد اتهامات وی به دلیل کافی نبودن دلایل یا لزوم بررسی مجدد و حضور شهود و ارائه

1. Iranian Center for International Criminal Law, (2017), <http://www.icicl.org/>

دلایل و مدارک بیشتر باشد، اعلام نمایند. در صورت تأیید اتهامات پرونده به شعب رسیدگی ارسال خواهد شد. (ICC Doc, 2016:3)^۱

سرانجام در ۲۴ مارس ۲۰۱۶ دیوان، شعبه پیش محاکمه دیوان، اتهامات احمد الفقی‌المهدی را مبنی بر ارتکاب جنایات جنگی از طریق تخریب آثار فرهنگی، تاریخی و دینی شهر تیمباکتو تأیید نمود. این شعبه اعلام نمود که ادله و شواهد ارائه شده توسط دادستان در ایجاد مسئولیت کیفری علیه آقای احمد الفقی کافی به نظر می‌رسد و با استناد به مواد ۲۵ (الف)، ۲۵ (ب)، ۲۵ (ج) و ۲۵ (د) اساسنامه رم، مسئولیت کیفری متهم نسبت به ارتکاب جرایم علیه اماکن ده‌گانه ذکر شده در اتهامات وی، قابل احراز می‌باشد. (Duerr, 2016: 14) دادستان دیوان نیز اعلام نمود که پرونده در اسرع وقت به شعبه محاکمه دیوان ارجاع داده خواهد شد تا روند رسیدگی به سرعت طی گردد.^۲ پرونده آقای فقیه به شعبه هشتم محاکمه دیوان ارجاع شده و تاریخ ۲۴ آگوست ۲۰۱۶ به عنوان اولین جلسه‌ی محاکمه وی در نظر گرفته شده است و قضات شعبه مذکور به دلیل وجود شواهد و ادله کافی، ابراز امیدواری کرده‌اند تا جلسه محاکمه ظرف یک هفته انجام گرفته و حکم دادگاه صادر گردد.^۳

۴-۳-۳. صدور رأی

سرانجام کوتاه‌ترین دادرسی در تاریخ دیوان کیفری بین‌المللی با صدور رأی محکومیت و تعیین مجازات «احمد الفقی‌المهدی» به پایان رسید. شعبه هشتم دادرسی دیوان به اتفاق آرا، مجرمیت «الفقی» را به عنوان شریک در ارتکاب جرم جنگی تخریب آثار فرهنگی با هدایت عامدانه حملات علیه بناهای فرهنگی و مذهبی واقع در «تیمبوکتو» در کشور مالی، مطابق مواد ۸(پ)(۵) و ۲۵(الف) اساسنامه رم، ورای یک شک معقول احراز نمود. بر این اساس، شعبه دادرسی «الفقی» را به ۹ سال زندان محکوم کرد. مدت بازداشت موقت

1. ICC Document (2016), <https://www.icc-cpi.int/iccdocs>.

2. The International Criminal Court (2016), https://www.icc-cpi.int/en_menus

3. CC ruling for Timbuktu destruction (2016), Situation in the Republic of Mali The Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi ICC-01/12-01/15 ICC-PIDS-CIS-MAL-01-04/16_Eng Updated: June 2016.

وی در بازداشتگاه دیوان، از سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی، از این مدت کاسته خواهد شد.^۱ این پرونده که به عنوان کوتاه‌ترین پرونده تاریخ دیوان بین‌المللی کیفری از نظر مدت رسیدگی شناخته می‌شود، آقای المهدی را به عنوان مجرم و فردی که نقش مستقیم در تخریب آثار فرهنگی و تاریخی مالی داشته است شناخته است. علیرغم اینکه در رای شعبه دیوان، شدت عمل ارتكابی به نحوی بیان شده است که نه تنها به مردم تیمکتو اثر گذاشته است بلکه به علت ثبت آثار تخریب شده در فهرست یونسکو، حتی تأثیر آن جهانی نیز می‌باشد.^۲ (No. ICC-01/12-01/15) اما با این حال دیوان، محکوم علیه را به پنج دلیل حائز برخورداری از تخفیف در مجازات تشخیص داده است: ۱. پذیرش داوطلبانه مجرمیت ۲. همکاری با دادستان ۳. تلاش برای کاهش درد و رنج قربانیان با عذر خواهی و جبران خسارت ۴. مخالفت اولیه وی با تخریب و تلاش برای کاهش وسعت تخریب با مخالفت با استفاده از بولدوز برای انجام تخریب ۵. حسن رفتار وی در طی بازداشت (Duerr, 2016: 12).

۴. نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل از لحاظ تعدد اسناد و کنوانسیون‌های مقابله با حملات بر ضد بناهای تاریخی و فرهنگی در حد قابل قبولی قرار دارد اما آنچه مهم بوده و بایستی مورد تأکید قرار گیرد، ضمانت اجرایی است که حقوق بین‌الملل و محاکم داخلی و بین‌المللی بایستی در برابر نقض مقررات حاکم بر مخاصمات اتخاذ نمایند. تخریب اماکن تاریخی در افغانستان توسط طالبان و تخریب بناهای تاریخی و مذهبی عراق و سوریه^۳ توسط گروه تروریستی موسوم به دولت اسلامی (داعش) و پرونده انصار الدین نمایانگر این مساله است که با قوت گیری و ادامه حیات گروه‌های تروریستی که با ذهنیت‌های مذهبی و باورهای فرقه‌ای مبادرت به تخریب قبور و اماکن و مساجد و بقایای تاریخی و فرهنگی می‌نمایند، ممکن است جامعه بین‌المللی را در آینده نزدیک با اتفاقات ناگوار جدیدتری رو به رو کرده و مکان‌های فرهنگی و تاریخی بیشتری را در معرض تخریب و نابودی قرار دهد. شاید اقدام

1. <http://www.icicl.org/details.asp?id=426>

2. THE PROSECUTOR v. AHMAD AL FAQI AL MAHDI, No. ICC-01/12-01/15, Judgment and Sentence, 27 September 2016.

3. <http://dx.doi.org/10.5339/irl.2015.3>

قاطع دیوان بین‌المللی کیفری در مجازات مهدی الفقی، بتواند تاثیرات پیشگیرانه‌ای را منجر شود. اما آنچه موجب نگرانی است، احتمال عدم موفقیت دیوان در اثبات اتهامات یا حتی عدم اثبات مجرمیت چنین متهمانی است که در این صورت باعث تجری گروه‌های مشابه شده و با توجه به افزایش تروریسم در منطقه می‌تواند موجب فجایع بیشتری نیز گردد. اما به هر ترتیب علیرغم وجود سایر جرایم ارتكابی در شمال مالی، تصمیم دادستان در تعقیب متهم تخریب اموال فرهنگی، نشان از اهمیت موضوع و رویکرد جدید دیوان در تعقیب مرتکبین سایر مصادیق جنایات جنگی می‌باشد. با این حال بسیاری از صاحب نظران بر این باورند که اقدامات تخریبی مشمول جنایت علیه بشریت نیز تلقی می‌گردد و دادستانی دیوان بایستی این اتهام را نیز به اتهامات الفقی اضافه می‌نمود. (Green Martinez, 2015: 1077)

طی شدن سریع روند مراحل محاکمه الفقی از زمان اعلام تحقیق تا صدور حکم بازداشت و تسلیم وی به دیوان و مراحل تایید اتهامات که می‌توان ادعا کرد، یکی از معدود قضایای دیوان است که پروسه آغاز تحقیقات تا محاکمه و صدور حکم با سرعت زیادی طی شده است، می‌تواند نوید بخش این مساله باشد که جرایم ارتكابی از این دست، در عراق و سوریه در خلال جنگ‌های اخیر نیز دور از چشم دیوان و سایر نهادهای کیفری جامعه بین‌المللی نخواهد ماند. البته نکته‌ای که در انتها باید به آن پرداخته شود این است که، مطابق ساز و کارهای موجود در دیوان بین‌المللی کیفری، مجازات احتمالی مرتکبین جنایات مورد بحث در عراق و سوریه مستلزم عضویت این دولت‌ها در دیوان بین‌المللی کیفری خواهد بود و در غیر این صورت تنها با ارجاع شورای امنیت قابلیت پیگیری و آغاز تحقیقات در دیوان وجود خواهد داشت؛ مساله‌ای که به علت عضویت مالی در اساسنامه رم، دیوان را با چالش مواجه نمود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که، حقوق بین‌الملل از لحاظ ماهوی و مقررات مربوط به حفاظت از اماکن فرهنگی در وضعیت مناسبی به سر می‌برد و اسناد متعددی که در این تحقیق مورد اشاره قرار گرفتند، قواعد قابل قبولی را برای حمایت از آثار فرهنگی پیش‌بینی کرده‌اند. از نقطه نظر ضمانت اجرایی نیز، رأی اخیر دیوان و محکومیت نه ساله احمد الفقی، موید این نکته است که، جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی، اهمیت ویژه‌ای را برای پاسداشت از مکان‌های فرهنگی و تاریخی در پیش گرفته‌اند و اراده بین حقوقی بین‌المللی در این زمینه از مرحله تئوری قانونگذاری به مرحله اجرای قانون و مجازات کسانی که بر ضد اموال فرهنگی عمل می‌نمایند، گام برداشته است.

با اینحال رویکرد دولت‌ها نیز بایستی معطوف به قانونگذاری داخلی و جرم‌انگاری تعرض به اماکن و اموال فرهنگی و تاریخی گردد تا از این رهگذر بتوان از تخریب آثار فرهنگی پیشگیری نمود. بنابر این پیشنهاد کاربردی بایستی معطوف به لزوم تدوین قوانین داخلی در زمینه ممنوعیت تعرض به اماکن فرهنگی و تاریخی با در نظر گرفتن اقتضائات سیاسی و فرهنگی بین‌المللی باشد.

منابع

۱. انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات همایش حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل، تهران: انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، چاپ اول.
۲. جعفری، فریدون (۱۳۹۰)، حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی، همدان: دانشگاه بوعلی.
۳. شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۰)، اسناد دیوان بین‌المللی کیفری، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم.
۴. صمدی، یونس (۱۳۷۷)، «نگاهی به کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در مورد حفاظت از میراث فرهنگی در زمان جنگ»، فصلنامه اثر، شماره ۲۹ و ۳۰.
۵. ضیایی بیگدلی، محدرضا (۱۳۹۳)، حقوق جنگ، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ سوم.
۶. قاسمی، غلامعلی و همکاران، (۱۳۹۲)، «حقوق بشر دوستانه و حمایت از اماکن عبادی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، سال چهارم، شماره ۱۳.
۷. نژندی‌منش، هیبت‌الله، الیاسی، زهرا (۱۳۸۹)، حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، تهران: انتشارات خرسندی، چاپ سوم.
۸. هنکرتز، ژان ماری و همکاران (۱۳۹۱)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم.
9. Broker, J.D (1974), The Brussels International Declaration of 1874 concerning the Laws and Customs of War, International Review of the Red Cross, No.164.
10. Brooks, Julia (2015), Attacks on Cultural Heritage in Armed Conflict, Harvard : Humanitarian Initiative's Humanitarian Academy at Harvard, Available at: <http://www.atha.se/blog/ihl-briefing-2>.
11. Curry, Tim (2016), International Criminal Tribunals in the 21st Century, Review of Conference: Available at: <https://www.wcl.american.edu/hrbrief/13/roc.pdf>.

12. Duerr, Benjamin, (2016), ICC prosecutor stresses psychological harm of Timbuktu destruction, International Justice Tribune , The Hague, 01/03/2016, Available at:
<https://www.justicetribune.com/articles/icc-prosecutor-stresses-psychological-harm-timbuktu-destruction>.
 13. Green Martínez, Sebastián. A (2015), Destruction of Cultural Heritage in Northern Mali: A Crime Against Humanity?, Journal of International Criminal Justice, No. 13.
 14. Irving, Hexham (2007), Where are Alfred Rosenberg's Papers? Available at:
<http://www.fpp.co.uk/Letters/Requests/KempnerRosenberg.html>.
 15. Lostal, Marina (2015), Syria's world cultural heritage and individual criminal responsibility, International Review of Law, <http://dx.doi.org/10.5339/irl.2015.3>.
- International Documents:**
16. C.N.N. Network(2012), <http://edition.cnn.com>.
 17. ICC ruling for Timbuktu destruction (2016),
<http://www.theguardian.com/law/2015/sep/30/ahmad-al-faqi-al-mahdi-the-hague-international-criminal-court-mali-timbuktu>.
 18. ICC Document (2016), <https://www.icc-cpi.int/iccdocs>.
 19. International Committee of the Red Cross (2016),
<https://www.icrc.org/>.
 20. Iranian Center for International Criminal Law, (2017),
<http://www.icicl.org> <http://www.icicl.org>.
 21. PanARMENIAN.Net: Armenian News(2013),
<http://www.panarmenian.net>
 22. The International Criminal Court (2016), https://www.icc-cpi.int/en_menus.

.....حمايت از اموال فرهنگي و تاريخي در حقوق بين‌الملل با نگاهی بر اقدام ديوان.....

23. The International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (2017),

<http://www.icty.org>

24. UN.DOC S/RES/2071(2012).

25. UN.DOC S/RES/2085(2012).

26. UN.DOC S/RES/2177(2014).

27. UN.DOC S/RES/2227(2015).

28. UN.DOC S/RES/2164(2012).

29. UN.DOC S/RES/2056(2012).

30. UN.DOC S/RES/2100(2013).